

چند بود مشرق و همچنین افق مشرق و افق مغرب و در زمان  
مضطربت جود بود متوازی تا منتهی که سمت الرأس در رو  
تزیان آن اعداد در اسطرلاب مختلف بود در هر جهت که در افق  
و در واقع هر دو در بعضی دود و در اسطرلاب قلم که در زمین  
مضطربت که سمت الارض بود به قوسهای خرد بود و از آن که کرده با  
شدن مشرق در جانب راست و مشرق مغرب و خط وسط السماء  
و مشرق در جانب چپ و افق مشرق و خط وسط السماء آنرا خط  
ساعات صوبه خوانند و ساعات زمان نیز خوانند و با آن قوسهای  
دیگر کشیده باشند که هر خطی با هم رسد آنرا دوار خوانند و هر یک  
بود که آن قوسها در جهت الارض نیز میزنند و در حکایت دایره قلم  
بود که در دو دوار جدا جدا بر کفها نوشته آنرا منطبقه البروج خوانند  
و هر برج مستقیم بود با جزایه شش و در هر یک در هر دو خط و در هر  
قاسم و در هر جوی زیاد بود که در برابر هر برج از هر دو طرف  
البری خوانند و در دوار دیگر باشد که هر یک نام کوچک از آن است نوشت  
باشند آنرا شش ماه خوانند و هر یک خطی که در هر سه آن کوکب نیز خوانند

نموده اسطرلابها را بر آن در این صورت منطبقه البروج است  
عرضت شمال بود و آنچه بر سر بود عرضت جنوب بود و آنچه باشنو  
منطبقه البروج  
منجی بود که بر جبهه و منصفها و حکایت بگذرد آنرا خطی خوانند  
و آنچه بر پشت جبهه بود و در اوقات ارتفاع بر سر است آنرا خط  
خوانند و آنچه در وسط عرضت اعضاده بود آن هر دو را خط و در وقت  
خوانند و در خطی که در وسط عرضت اعضاده بود آنرا خط  
خطی ارتفاع خوانند و در وقت دو خط بود آنرا خطی است  
شاع خوانند و آنچه خط را بعد از آن است آنرا خط خوانند  
و خطی که در زمین قرار بود تا فرض آن خطی حکایت تر شده  
باشد آنرا خطی خوانند و آنچه خطی که در زمین قرار بود تا فرض آن خطی حکایت تر شده  
نوشته باشد و در آن حکایت مسکو و آنچه خطی که در زمین قرار بود تا فرض آن خطی حکایت تر شده  
صفا که را بعد از آن است آنرا خطی حکایت مسکو و آنچه خطی که در زمین قرار بود تا فرض آن خطی حکایت تر شده  
آنرا حکایت خوانند و در بعضی اسطرلابات دوازده خط  
در پیشانی کشیده باشند آنرا خطی ساعات صوبه خوانند و صفا  
خطی ساعات که هر خطی که در خطی اسطرلابات است  
خطی که در زمین قرار بود تا فرض آن خطی حکایت تر شده